تشخیص موضوع حکم، مهمترین گام در بحث رؤیت هلال

آن چیزی که ابتدا میخواستم تذکر بدهم این است: در شکل سهمیای که چندین روز ما از آن صحبت کردیم، وقتی بخواهیم منافشه کنیم چند روز منافشه میکنیم. با اینکه من این همه آن را توضیح دادم انظار شریفه شما اجل از این است که دوباره توضیح دهم. اما باز توضیح میدهم. ما این سهمی را وحی منزل نمیدانیم. پس ما چرا این قدر سهمی را آوردیم تا از آن استفاده کنیم؟! همه تلاش من به این خاطر است...؛ الآن که حاج آقا میگویند من محکمتر شدم، چه چیزی در ذهنشان است که میگویند محکمتر شدم؟! یعنی چه چیزی در ذهن من بود که الآن فتوا دادم و الآن هم با این ردیه محکمتر شدم؟!

این چیزی که الآن من عرض میکنم تلقی خودم است. تنها و تنها تشخیص موضوع حکم شرعی است. خلاص! یعنی حاج آقا دارند موضوع را تشخیص میدهند که هلال موضوع است. میگویند وقتی موضوع این است –مانند زوال- دیگر از سائر ابحاث در غنی هستند. شما میگویید شأنیت آن کدام است، رؤیت عادی ای با تلسکوپ؟ ایشان میگویند شما چه کار داری که تلسکوپ هست یا نه، وقتی شما سراغ مرئی رفتید صدق آن را ببینید. هم تلسکوپ را قطع کنید و هم چشم را. بگویید وقتی در تلسکوپ دیدم اسم مرئی من چیست؟ میبینید که اصلاً حرف شما مطرح نمیشود. ایشان سراغ مرئی میروند. وقتی عرف عام در تلسکوپ میبینند اسم آن چیزی که میبینند چیست؟

شاگرد: هلال.

استاد: تمام شد. حاج آقا این را میفرمایند. شما الآن چه میگویید؟ وقتی عرف عام در تلسکوپ میبینند اسم مرئی آنها چیست؟ شما با همان مبنای خودتان بگویید.

> 10:47

شاگرد۲: میگویند مرئی تلسکوپ است.

استاد: میگوید بیا در تلسکوپ نگاه کن که چه چیزی را ببینی؟ شما در استفتاء از دفتر مراجع چه میگویید؟ میگویید آیا رؤیت هلال به عین مسلحه مجزی هست یا نیست. میگویید یا نمیگویید؟ مجاز میگویید؟! از مرجع خودتان استفتاء کنید. میگویید مجاز میگویم، اما عرف عام از این مجاز میفهمد؟! آقا فرمایشی دارند که چند روز قبل، از مقدمه آن صحبت گفته شد. میگویند ما برای فرمایش حاج آقای زنجانی سه جور عموم تصور کردیم. یک عمومی که ظاهر فرمایششان افرادی است. یک عمومی است که آقا فرمودند. یک عموم هم شما فرمودید که با تحلیل عام مجموعی بود. گفتم وقتی میگویید اگر همه دانشآموزان کلاس مدرسه را جارو کنند آنها را به اردو میبریم، یعنی معظم. ولو همه را میگویید. عام مجموعی وقتی در متعلق المتعلق است؛ وقتی میگویند این شهر و این کلاس را واکسن بزن، عام مجموعی در متعلق المتعلق است. باید همه را بزنید. اما وقتی عام مجموعی در مکلف میآید، نباید آن جا را با اینجا مخلوط کنیم. هر کجا مقصود شما را اشتباه میگویم بفرمایید.

ایشان می‌فرمایند وقتی عام مجموعی را در مکلف بیاوریم معظم کافی است و ممکن است که صدق بکند. می‌گوییم وقتی همه کالس این کار را کردند، اگر یکی از آن‌ها هم نکرده باشد اشکال ندارد. پس عام مجموعی در آن ممکن است. عبارتشان این است. مقدمه اول و دوم را فرموده بودند، الآن مقدمه سوم را می‌فرمایند. با آن بحث‌هایی که کردیم ببینید گامی که ایشان در استدلال بر می‌دارند با عرضی که من دارم در کجا تفاوت دارند.

«مقدمه سوم؛ در روایت داریم، اذا رایتم الهلال فصوموا» این روایت را بر می‌گردانیم به «اذا ثبت رؤیتکم فیجب علیکم الصوم»، همه قبول دارید؟ جلو برویم؟

شاگرد۲: قبول نداریم. در آن جا باید هلال ثابت شود، نه این‌که رؤیت ثابت شود.

استاد: بله، دقیقاً می‌خواهم همین را بگویم. ایشان برمی‌گردانند اما آن چیزی که در بحثمان موضوع مورد نظر مولی است را حذف می‌کنند. مولی فرموده «اذا رایتم الهلال فصوموا» اما وقتی تبدیل می‌کنند هلال حذف می‌شود. «اذا ثبت رؤیتکم»؛ یعنی نظر مولی به رؤیت من است. خب این در استظهار اول الکلام است. وقتی مولی می‌گوید «اذا رایتم الهلال» چرا شما می‌گویید «اذا ثبت رؤیتکم»؟ حال بگو ببینم کدام رؤیت؟ حاج آقا می‌گویند وقتی مولی می‌گوید «اذا رایتم الهلال»، مولی نظر به هلال دارد. آن مرئی را وقتی دیدید، ببینید عرف عام به آن هلال می‌گویند یا نمی‌گویند. این گام اول است. شما موضوع را عوض کرده‌اید.

«اذا ثبت رؤیتکم فیجب علیکم الصوم»، دو ضمیر عام داریم. بعد دنبالهٔ آن فرمودید «این جور عام مجموعی خلاف ضرورت فقه است. چون اگر همه باید ببینند اگر یک نفر هم ندید شهر ثابت می‌شود». بعد می‌فرمایید: «قلت، انس از عام مجموعی در متعلق متعلق و مکلف فرق می‌کند. فی الجمله اگر افرادی ببینند انتساب رؤیت به همه در مواردی است که فی الجمله افرادی ببینند و دیگران هم در صورت نداشتن مانع شأنیتش را داشته باشند». شأنیت چه چیزی را دارند؟ شأنیت رؤیت را. رؤیت هلال را. الآن در اینجا کدام یک از آن‌ها مورد نظر مولی است؟ «مثل این‌که می‌گویی این تابلو را در جایی بزن که همه ببینند، درحالی‌که برخی کور هستند و برخی نمی‌توانند بدون عینک ببینند». پس نمی‌بینند اما عبارت درست است؛ جای بزن که همه ببینند. ایشان می‌گویند این «همه» یعنی عام مجموعی نسبت به مکلف. در بینندهٔ، معظم و نوع کافی است. بعد ادامه می‌دهند که منظور من از ارتکازات خودشان است.

> 16:08

«ای مثلاً اگر بگویند شبی که همه ماه را با چشم غیر مسلح ببینند به میدان شهر بیایید، کاملاً مرکوز است که لازم نیست همه، تک‌تک، ماه را ببینند و بعد بیایند، بلکه همین که ماه چنین قابلیتی داشته باشد که اگر همه نداشته باشند و نگاه بکنند می‌بینند، در صدق انتساب رؤیت به افراد عام با نظر وحدت کفایت می‌کند». ببینید شما مدام نظر را بزرگ کردید و عام مجموعی کردید. به این برگشتید که ماه چنین قابلیتی داشته باشد. یعنی دقیقاً دوباره عدول کردید و عام را کنار گذاشتید و سراغ ماه رفتید. می‌گوییدی ماه چنین باشد. خب ماه چطور باشد؟ وقتی ماه را می‌بینید بگویید که هلال است. شما باید به مرئی برسید نه به رؤیت. چرا؟ چون در این گام دوم قبول کردیم که رؤیت طریق است.

شاگرد: با توجه به فرمایشاتی که فرمودید تمام مطالب برای ذهن دوستان صاف شده است. اما مسأله این است که الآن موضوع، مرئی و هلال است. اما مرئی‌ای که در زمان صدور دلیل بیانش امکان نداشته و در اعصار بعدی تحقق پیدا کرده، چطور می‌خواهیم به اطلاق دلیل اخذ بکنیم و بگوییم این هلال خاص که نورش به قدری کم است که تنها با تلسکوپ دیده می‌شود، مشمول آن اطلاق می‌شود؟ الآن صحبت در این است. همه می‌دانیم که موضوع هلال است، اما این هلالی که ما الآن از آن بحث می‌کنیم را چطور ذیل اطلاق دلیل می‌بریم؟

استاد: احسنت. این مسیری که الآن تذکر دادم؛ ما این شکل سومی را نه وحی منزل می‌دانیم و نه مدافع آن هستیم. تنها به‌عنوان واضح شدن موضوع به‌دنبال موضوع حکم هستیم. وقتی دنبال موضوع حکم هستیم به‌عنوان تصور بحث و استظهار از ادله شرعیه این سومی را آوردیم و از آن حرف زدیم. و الا مانند «لو کان فیهما الهة» است که ما اصلاً «لو کان» را قبول ندارید اما با شرطیت آن کار دارید. اصلاً ممکن است که شما سومی را قبول نکنید. اما با فرض گرفتن آن بحث علمی جلو می‌رود. چون ذهن ما را کمک می‌کند تا از دلیل شرعی استظهار کنیم که موضوع در

دلیل شرعی چیست. الآن به فرمایش شما آمدیم. ما یک جایی از فرض گرفتیم؛ به تعبیری که ایلوپ داشت؛ محمد عوده آن را سه مرحله کرده است. معیار آفریقای جنوبی دو مرحله است. اینها را در نرم‌افزار دیده‌اید. ایلوپ چهار مرحله کرده است. گفتم ما مدافع هیچ‌کدام از اینها نیستیم. تنها فرض آن را عرض می‌کنیم.

چهار صورت در معیار ایلوپ چه بود؟ گفت اول یکی لایه‌ای داریم که ممکن نیست با چشم عادی ببینید. بلکه تنها با تلسکوپ می‌بینید. یک لایه دومی داری که تنها بخش بزرگی از کره زمین را می‌گیرد. تعبیر دقیق خود او در نرم‌افزار هست:

(need optical aid to find moon). «aid» متاخذ از «اید» عربی است. به‌معنای کمک کردن است. معنای عبارت این است: برای اینکه ماه را پیدا کنید باید کمک دستگاه‌های نوری باشد. این مبنای او است. روی فرض است. نمی‌خواهم بگویم که حرف او درست است. می‌گویم فرض را توجه کنید. حال فرض گرفتیم که این حرف درست است. یعنی روی فرض او اگر تلسکوپ کشف نشده باشد در یک منطقه وسیعی هیچ‌کس نخواهد دید. حدی البصرها هم نمی‌بینند. اما ایشان می‌گویند بعد از اینکه تلسکوپ کشف شد حال با تلسکوپ جای ماه را پیدا می‌کنید و بعد تلسکوپ را کنار می‌زنید که دراین‌صورت همه می‌بینند.

شما به زمان شارع بروید. الآن زمان شارع است. شارع فرموده «صم للرؤیة». طی الزمان می‌کنید و این تلسکوپ را آن جا می‌گذارید. یعنی ناظرین زمان شارع ابتدا با تلسکوپ هلال را پیدا می‌کنند و بعد تلسکوپ را کنار می‌زنند و هلال را می‌بینند. ادله شرعیه آن جا را می‌گیرد یا نمی‌گیرد؟

شاگرد: با توجه به مبانی آن‌ها نمی‌گیرد.

استاد: صبر کنید من عبارت حاج آقای زنجانی را بخوانم. می‌گویند اگر با چشم دیده نشود اما ابتدا با تلسکوپ آن را پیدا کنیم و بعد ببینیم، هیچ اشکالی نیست که کافی است. حال ما مدام بخواهیم اوضاعتی که مورد اتفاق است را شبیه کنیم و بحث مغبر شود.

شاگرد۲: چون بعد از تلسکوپ با چشم عادی می‌بیند مشکلی ندارد.

استاد: چه چیزی را دیده؟

شاگرد۲: همان هلال را دیده. ولی با چشم عادی می‌بیند.

استاد: با چشم عادی و با تلسکوپ چه چیزی را می‌بیند؟

شاگرد۲: هلال را می‌بیند.

استاد: بسیار خب، پس اگر عند الله هلال موضوع حکم خدا است و دیدن ما هم طریق به آن است... نه اینکه موضوع باشد؛ گفتم که باید گام‌ها را با هم مخلوط نکنیم؛ اگر می‌گویید موضوع است؛ به گام اول برمی‌گردیم. چند روز مفصل بحث کردیم که رؤیت موضوعیت دارد یا ندارد. در مراسلات آقای تهرانی فرمودند رؤیت طوری موضوعیت دارد که حتی اگر امام معصوم با چشم غیبی، هلال را ببینند ما می‌گوییم برای خود امام معصوم هم شهر داخل نشده است. این مبانی ایشان بود که بحث کردیم. ولی فعلاً در مبانی بعدی هستیم. آن جای خودش است. به فرمایش آقا شاید بیست و پنج روز از آن صحبت شد. در فرمایش آن حاج آقا بود «به‌طور قطع می‌گوییم که رؤیت موضوعیت دارد». این یک مرحله بود که باید دوباره به آن برگردیم. اما فعلاً روی فرض ما عرض می‌کنیم که در کلام مولی رؤیت طریقیت دارد؛ روی این فرض هلال را دیده؛ روی این مبنا آن چیزی که خدای متعال موضوع حکم خودش قرار داده، چیست؟ هلال است. اگر بگویید هلال مرئی است، دوباره بازگشت می‌کنید به رؤیت موضوعی.

بازبینی #2
ایجاد شده 3 ژوئیه 2026 14:50:02 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 ژوئیه 2026 20:10:06 توسط ... .